

شرح‌های فارسی دیوان حافظ در هند

لسان‌الغیب خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی (م: ۷۹۱ هـ/ ۱۲۸۹ م) غزل‌سرای شیوایی است که شهرت و محبوبیت او از همان دوران زندگی‌اش در اکثر نقاط جهان فارسی‌زبان طنین‌انداز شد، چنانکه پادشاهان بنگال و دکن از هند او را دعوت کردند که به هند بیاید که بنابر علل مختلفی که بعضی از آنها معلوم است و بعضی نامعلوم، حافظ به این کشور فارسی‌دوست نیامد؛ ولی سخن‌شناسان و صاحبان ذوق تحفه سخنش را دست‌به‌دست می‌بردند و شک و تردیدی نیست، تا روزی که ذوقی در نهاد دوستداران زبان و ادبیات فارسی در هند وجود دارد، قبول عام حافظ در این کشور ادامه پیدا خواهد کرد.

شعر حافظ سرشار از اشارات، رموز و تعبیرات بدیع و گوناگون است و شعرش از زاویه‌های مختلف قابل ملاحظه. فقیه و عارف و عامی همه از شعر او بهره می‌برند و ابیات او را به مذاق خود توجیه و تفسیر می‌کنند.

به‌درستی که آن مقدار از آیات قرآنی که در کلام وی مندرج است، در کمتر دیوانی توان یافت و همچنین آن اندازه اشارات گوناگون به‌احادیث نبوی که در سخن وی وجود دارد، در شعر کمتر شاعری مشاهده می‌گردد.

گسترش وسیع مفاهیم شاعرانه در دیوان حافظ حیرت‌انگیز است و تعبیرش ویژگی‌های خاصی دارد، زیرا که شعر او سرشار از اشارات، رموز و تعبیر است و این است که موافق مذاقهای مختلف افتاده است. چنانکه گروه‌هایی که از جهت افکار و عقاید ظاهر، باهم موافق نیستند، همه بازتاب اندیشه‌های خویش را در کلام او می‌بینند و سخن او را ترجمان معانی و مفاهیم ذهنی خود می‌انگارند.

جلوه‌های متفاوت شعر حافظ باعث شد که دوستداران آن بزعم خویش، هرکدام به تفسیر و توجیه آن پردازند، تا به آنجا که باید اقرار کرد که تفسیر و توجیهی از کلام وی، هرگز ما را از تفسیر و توجیه دیگر بی‌نیاز نمی‌کند و خواندن شرحی از دیوان او ما را از شروح دیگر مستغنی نمی‌سازد.

شرح سودی بر حافظ یکی از شرح‌های معروف و بسیار ساده دیوان حافظ است. سودی شرح خود را در حدود ۱۰۰۳ هجری به زبان ترکی نوشته بود. وی دانشمند و شاعری توانا و مؤلفی پرکار بود. او با سه زبان ترکی، عربی و فارسی آشنایی کامل داشت. شرح سودی بر حافظ به فارسی ترجمه شده و شرحی است که مورد استفاده زیاد قرار می‌گیرد. سودی از معانی مشکل و یا مفاهیم عرفانی استفاده نکرده است.

در هند شرح‌های زیادی بر دیوان حافظ به فارسی، اردو و زبان‌های دیگر هند نوشته شده است که در این مقاله برخی از آن شروح مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شارحان دیوان حافظ در هند عرفا، شعرا و دانشمندانی بوده‌اند که در آیین شعر حافظ تصوّرات ذهنی خود را منعکس دیده‌اند و بنابراین اشعار حافظ را به مذاق خود شرح و توضیح نموده‌اند. علاوه بر شرح‌های کامل دیوان حافظ و گزیده‌های کلام او، تعداد زیادی فرهنگ دیوان حافظ هم در هند در ادوار مختلف نوشته شده‌اند که همه نشان می‌دهند که دانشمندان در تلاش آن بودند که فهمیدن و فهماندن دیوان حافظ برای علاقه‌مندان به دیوان او، آسان شود.

باید یادآور شد که شعرای غزلسرای فارسی هند در پیروی از قالب و اندیشه حافظ افتخار می‌کردند، تا آنجا که شاید غزل‌سرایی در هند نباشد که شعر حافظ را برای خود سرمشق قرار نداده باشد. این غزل‌سرایان به شعر حافظ توجه می‌نمودند و سعی می‌کردند که به جنبه‌های مختلف آن پی ببرند و آنها را در غزلیات خود به نحوی که مناسب و جالب باشد و برای آنها مقدور است، مطرح کنند.

شاه عالم متخلص به «آفتاب» پادشاه دوره آخر تیموری، مانند شعرای دیگر فارسی‌گوی هند به شعر حافظ علاقه فراوانی داشت. او قالب‌های غزل حافظ را برای غزلیات خود برگزیده و بعضی اندیشه‌های حافظ را نیز در اشعار خویش منعکس ساخته است. او بعد از مطالعه جدی کلام حافظ به این نتیجه دست رسیده بود:

کس آشنا نبُود آفتاب از حافظ هزار بار من این نکته کرده‌ام تحقیق

در پاسخ به اینکه چرا آفتاب و دیگران نتوانستند با شعر حافظ آشنا شوند و در نتیجه آن شرح‌های مختلفی نوشته شد، باید گفت که رعایت ایهام، ایهام تناسب، مجازات و استعاراتی که در شعر حافظ به کار برده شده، و معانی عالی‌ه علمی و فلسفی و عرفانی که در قالب الفاظ در شعر گنجانیده شده، مضمون شعر حافظ را محتاج به تأمل نموده است. اکثر غزلیات حافظ بسیار مشکل است و معانی رمزی، عرفانی، و اصطلاحات صوفیانه در آنها به حد فراوان وجود دارد و در اغلب موارد می‌بینیم که حافظ مسائل مادی را با مطالب معنوی درهم آمیخته است. این دگرگونی احوال و مطابق ذوق و طبع هر طبقه جامعه سخن گفتن و یک معنی واحد را با عبارات مختلف بیان کردن، همه دلیل بر وسعت نگرش و دورنمایی دید حافظ است که در نتیجه شعر او را به شکلی درآورده که پی بردن به آن سهل نیست.

نظر به وسعت مفاهیم شعر حافظ، عده‌ای از فضلا و دانشمندان و شعرا در هند بر آن شدند که کل یا قسمتی از دیوان حافظ را شرح کنند و بعضی نیز تنها به نوشتن فرهنگ دیوان حافظ اکتفا کردند.

از فهرست‌های نسخ خطی فارسی و چند مأخذ دیگر چنین برمی‌آید که حداقل پانزده شرح و نه فرهنگ دیوان حافظ در هند تألیف گردیده است. متأسفانه همه شرح‌ها و فرهنگ‌ها به چاپ نرسیده است و از نسخ خطی بعضی شرح‌ها حتی اسم نویسندگان آنها هم به دست نمی‌آید.

سیف‌الدین ابوالحسن عبدالرحمن لاهوری متخلص به «ختمی» علاقه خاصی به دیوان حافظ داشت. بر بنای اطلاعاتی که در اختیار ماست، او اولین مرتبه در هند تنها ابیات مشکل غزلیات و قطعات حافظ را به نام مرج البحرین شرح عرفانی کرده است. ختمی، اول لغات و اصطلاحات را شرح می‌کند و سپس شعر حافظ را با استنباط از قرآن حکیم، احادیث نبوی و اظهارات دانشمندان دیگر توضیح می‌دهد. ختمی در مورد بعضی واژه‌ها و ترکیب‌های شعر حافظ، سؤال‌هایی از خود مطرح می‌کند و بعداً به پاسخ آنها به تفصیل می‌پردازد.

ختمی از اهالی لاهور بود و پدرش سلیمان در سال ۱۰۲۱ هـ/ ۱۶۱۲ م فوت شد. نویسنده در ابتدا از جد پدری خود میان سعدالله تحصیل علوم نمود. بعد از فوت او در سال ۹۹۹ هـ/ ۱۵۹۰-۹۱ م ختمی به گوالیار پیش پسر عم خود شیخ منور رفت و تا چند سال با او زندگی کرد. وقتی که از گوالیار به لاهور برمی‌گردد، قصیده‌ای شیوا در ستایش عارف مشهور شیخ محمد غوث گوالیاری می‌سراید. او در سال ۱۰۲۱ هـ/ ۱۶۱۲ م در برهانپور به سر می‌برد. از اشاره‌هایی که نویسنده در لابلائی شرح دیوان خود نموده است، استنباط می‌شود که او سراسر هند را دیده بود. ختمی شرح خود را در سال ۱۰۲۶ هـ/ ۷-۱۶۱۶ م در دوره سلطنت جهانگیر به تکمیل رساند، ولی بعد از تخت‌نشینی شاهجهان پسر جهانگیر در سال ۱۰۳۸ هـ/ ۹-۱۶۲۸ م ختمی تألیف خود را به او تقدیم نمود. بعضی از محققان سال ۱۱۲۶ هجری را تاریخ تکمیل این شرح قرار داده‌اند که درست نیست. نسخه‌های خطی این شرح در کتابخانه‌های مختلف وجود دارد.^۱

در پایان باید یادآور شد که سیف‌الدین ابوالحسن عبدالرحمن ختمی فرهنگ دیوان حافظ را نیز نوشته بود که نسخه خطی آن وجود دارد.

مولوی محمد سعد عظیم‌آبادی که احوال او از مأخذی به دست نیامد، شرحی دیگر بر دیوان حافظ تألیف کرد و آن را چنانکه از ماده تاریخ «بیان غزل» برمی‌آید، در سال ۱۱۰۰ هـ/ ۹-۱۶۸۸ م به تکمیل رسانده است.^۲ محمد سعد فرهنگ دیوان حافظ را نیز نوشت که نسخه خطی آن در کتابخانه مولانا آزاد انستیتوی تحقیقات عربی و فارسی راجستان، تونک نگهداری می‌شود.^۳ محمد سعد برای اینکه ابیات هر غزل در این شرح زودتر پیدا شود، نخست پاره‌ای کوتاه از مطلع غزل را می‌آورد، سپس به گزارش واژه‌های نسبتاً دشوار می‌پردازد. نویسنده به‌طور عمده گزارش واژه‌ها را می‌دهد و کمتر به گزارش بیت و غزل می‌پردازد.

۱. بانکی‌پور، شماره ۱۶؛ کرزون، شماره ۲۳۱؛ آصفیه ۱۶۵، حمیدیه بوپال، شماره ۱۴۷.

۲. کرزون، شماره (۳) ۷۴۴، دانشگاه عثمانیه، شماره ۸۹۱/۵۵۱۳.

۳. شماره ۱۳۶۱.

عبدالله الخلیفه الخویشگی الجشتی قصوری متخلص به «عبدی» (۱۱۰۶-۱۰۴۳ هـ) که اسم اصلی‌اش غلام معین‌الدین است، فرزند عبدالقادر از تبار افغانی بود. عبدی به شخصی به نام محمد رشید مخاطب به «فیاض» معروف به «دیوانجی» وابسته بود.^۱ او کارهای زیادی درباره دیوان حافظ انجام داده است. خلاصه البحر فی النقاط الدرر^۲ و بحر الفراسه^۳ شرح‌های دیوان حافظ است که عبدی تألیف نمود. علاوه بر این دو اثر، او جامع البحرین و خلاصه البحرین را نیز درباره دیوان و شعر حافظ تألیف نمود. ولی نسخه‌های خطی این دو اثر مؤخرالذکر به دست نیامد.

سال تألیف خلاصه البحر فی النقاط الدرر معلوم نیست، ولی شرح دیگر او به نام بحر الفراسه برای شاهجهان پادشاه تیموری نوشته شده بود. بحر الفراسه شرح دیوان کامل حافظ است. غزل‌ها به ترتیب حروف تهجی شرح گردیده است. علاوه بر غزلیات، قصاید، مثنویات و قطعات هم در این اثر مورد بررسی و شرح قرار گرفته است. عبدی درباره روش کار خود در این شرح اطلاع می‌دهد که او این شرح را در دو جلد تألیف کرده است. در جلد اول شرح غزلیات از ردیف «الف» تا «س» است. این قسمت در زمان سلطنت شاهجهان به پایان رسید. سپس عبدی بنا بر اوضاع نامساعد به بیجاپور منتقل شد و کار شرح به تعویق افتاد ولی او موفق شد قسمت دوم و نهایی این شرح را در بیجاپور به پایان برساند. این اثر به قول مؤلف نکات تصوف و حقایق و لطایف سایر علوم را کمابیش مبین ساخته است.

کشف الاستار عن وجوه المشکلات الاشعار شرح دیگر دیوان حافظ است که آن را شاعر و نویسنده معروف فارسی محمد افضل سرخوش اله‌آبادی نوشته است. سرخوش علاوه بر این شرح دیوان حافظ، شرح متون دیگر مانند شرف‌نامه نظامی، و قران السعدین خسرو دهلوی را نیز نوشته است. سرخوش درباره شرح حافظ می‌گوید:

کنون شرح دیوان حافظ کنم برون از دل آن رازها افکنم

۱. فهرست نسخه‌های خطی و چاپی حافظ در هند، شریف حسین قاسمی، دهلی‌نو، ۱۹۸۸ م، ص ۱۷۷.

۲. موزه سالار جنگ، شماره ۱۵۰۲۰.

۳. پتیالا، شماره ۱۵۵۳؛ تونک، شماره ۱۳۵۰.

که اندر دل اکثر از مردمان از آن رازها نیست نام و نشان
 در اتنای این شرح مشکلگشا بسی از فواید کنم هم ادا
 بدان سان که در شرح آن شش کتب کز آنها درین نسخه رفع حجب

افضل بر شرح خود مقدمه‌ای نیز نوشته است که بخشی از آن اهمیت و روش کار مؤلف در این شرح و علل تألیف آن و مزایای شعر حافظ را روشن می‌سازد:

”باید دانست که اشکال ابیات واقعه دیوان خواجه حافظ به چند وجه است و تفصیل آن وجوه آنکه بعضی از آن ابیات از آن قسم است که معنی شعری آنها به سبب غموض عبارت فارسی به آسانی بر نمی‌آید. پس رفع آن غموض باید کرد و بعضی از آن قسم که معنی شعری به عبارت عربی موذی شده، پس ترجمه آن باید نوشت و بعضی از آن قسم که معنی شعری آن موقوف است بر قضیه‌ای، پس ذکر آن قضیه باید نمود، و بعضی از آن قسم که اگرچه معانی آنها ظاهر است، اما در آن معانی اختلاف واقع شده. پس بیان مطلب آن ابیات به تفصیل باید نمود تا هرچه حق باشد، مقرر گردد. بعضی از آن قسم که در بیان معانی آنها و میان مسائل شریعت یا طریقت یا حقیقت تطبیق میسر نمی‌آید، مگر به صرف الفاظ آن ابیات از ظواهر آن الفاظ. پس صرف آن الفاظ از ظواهر آنها به سوی الفاظ خفیه که تطبیق مذکور بدان صرف میسر آید، باید نمود.“

بعد از این مقدمه، سرخوش واژه‌هایی مانند زلف، خال، ساقی، می، معشوق، بوسه و غیره را توضیح داده است و برای تأیید و تصدیق معانی و مفاهیم تراکیب و غیره از فرهنگ مصطلحات الشعرا (سیالکوتی)، شرح گلشن راز، نفحات الانس و لطایف اشرفی شواهدی آورده است.

فوائد الاسرار فی رفع الاستار عن عیون الاغیار^۱ شرح دیگر دیوان حافظ است که آن را بهلول کول بن مرزا خان البرکی ثم جالندهری مرید سید بهیکه در سال ۱۱۳۲ هـ/۲۰- ۱۷۱۹ م نوشته است. بهلول کول فرهنگ لغات دیوان حافظ را نیز تألیف نموده است. هردو اثر او رنگ عرفانی دارند.

۱. تونک، شماره ۱۳۶۰؛ صولت، شماره ۱۶۶.

محمد بن صدر الصریقه شیخ یحیی بن عبدالکریم هم دیوان حافظ را شرح کرده است. او درباره شرح خود می‌گوید که:

”تاکنون که سال ۱۰۷۷ هـ (۸-۱۶۶۷ م) است، از هیچ عزیزی حلّ مشکلات دیوان بر حسب معنی لغوی و یا اصطلاحی نشده بود، به این کار پرداختم“^۱.
روش مؤلف شرح دیوان حافظ، ادبی و صوفیانه است.

ستاره طور معانی یا طومار معانی از زین العابدین ابراهیم آبادی به سال ۱۱۱۸ هـ/ ۱۷۰۶ م به تکمیل رسیده است. ابراهیم آبادی در این اثر مشکلات و اصطلاحات را شرح کرده است. نویسنده در مقدمه آورده است که او شایستگی آن را نداشت که دیوان حافظ را شرح کند، ولی شبی خواجه حافظ به لباس قلندری و شوکت سکندری به نظرش درآمد و سینه او را از آلودگی‌ها پاک کرد و با شرح یک بیت تمام اسرار دیوان خود را بر او منکشف ساخت.^۲ در حقیقت این شرح، شرحی عادی است و مزیتی ندارد که دارای اهمیت قابل ملاحظه‌ای باشد و آنچه حافظ بر او منکشف کرده بود، ندارد.

زبدة البحرین از سیف‌الدین عبدالرحمن^۳ که منتخب مرج البحرین^۴ است، تراکیب الاقدام^۵ (شرح شعر و مصطلحات حافظ) از مرزا غلام علی بیگ، شرح دیوان حافظ^۶ از ظفر حسین بن خان محمد رای پوری، دیباچه معیار الادراک از ملّا طغرا مشهدی (م: ۱۰۷۸ هـ/ ۸-۱۶۶۷ م) ”شرح بعضی از اشعار مشکل حافظ به زبان مسجع و مقفی، از دیگر شرح‌های دیوان حافظ است که نسخه‌های خطی آنها در بیشتر کتابخانه‌های هند نگهداری می‌شود.

علاوه بر شرح‌های مستقل و فرهنگ‌های دیوان حافظ، عرفای هندی، در مجالس و سخنان خود از کلام حافظ استفاده می‌کردند و گاه‌گاهی بعضی از اشعار حافظ را در

۱. فهرست مشترک، ج ۳، ص ۱۵۹۹.

۲. همان.

۳. عبدالسلام، علیگره، شماره ۸۱۸/۵۵ ف.

۴. فهرست مشترک، ج ۳، ص ۱۵۹۸.

۵. تاگور، لکهنو، RP.891/551.

۶. حمیدیه بوپال، شماره ۱۴۶.

مجالس برای راهنمایی مریدان خود می‌خواندند و مورد بررسی و شرح قرار می‌دادند. اگر از سخنان و آثار عرفای مختلف از سلسله‌های گوناگون، شرح اشعار مختلف حافظ را جمع‌آوری کنیم، شرح بسیار سودمندی از بیشتر اشعار حافظ را می‌توان فراهم کرد. این‌گونه بررسی اشعار حافظ، دارای اهمیت فراوانی است زیرا که عرفا بیان احساس عرفانی خود را در شعر حافظ می‌یابند.

باید یادآور شد که یک عارف معروف هندی، سید جهانگیر سمنانی که به‌قول خود او، حافظ را دیده و با او محشور بوده و سپس به‌هند آمده، حافظ را به‌عنوان عارف کامل معرفی کرده است. در نتیجه عرفای هندی حافظ را یک عارف کامل تلقی می‌کردند و حتی تعداد زیادی از علاقه‌مندان به‌حافظ، او را عارف و سالک طریقت به‌حساب می‌آوردند و بنابراین بیشتر شرح‌های دیوان حافظ که در هند تألیف گردیده است، رنگ عرفانی دارد.

در پایان باید عرض کنم که این شرح‌ها نه تنها برای پی بردن به‌جنبه‌های گوناگون اندیشه حافظ ضروری هستند، بلکه برای شناسایی متن دیوان حافظ هم دارای اهمیت فراوانی می‌باشند، و از آنجا که تاکنون اختلافات زیادی در مورد متن دیوان حافظ وجود دارد و حافظ‌شناسان موفق نشده‌اند که متن منقح دیوان حافظ را آماده کنند، این شرح‌ها می‌توانند محقق را تا حد زیادی در تدوین متن منقحی از دیوان حافظ راهنمایی کرده و آنها را در شناسایی منظومه‌ها و حتی واژه‌های درست در متن دیوان حافظ کمک کنند.